

تحلیل چگونگی بازنمایی زن در عکس‌های نیوشا توکلیان با رویکرد فمینیستی

سارا لعل کمالیان^{۱*}، پژمان دادخواه^۲

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد عکاسی، دانشکده هنر، مؤسسه آموزش عالی اقبال لاهوری، مشهد، ایران،

Sarakamalian5529@gmail.com

۲- استادیار گروه عکاسی، دانشکده هنر، مؤسسه آموزش عالی اقبال لاهوری، مشهد، ایران (نویسنده مسئول)

p.dadkhah@eqbal.ac.ir

چکیده

وقتی صحبت از عکاسی معاصر ایران می‌شود، منظور وضعیت عکاسان دهه شصت شمسی تاکنون می‌باشد. این نسل از عکاسان، تحت تأثیر جریان‌های فلسفی، اجتماعی، سیاسی و تحولات روز عکاسی جهان دست به تولید آثاری زده‌اند که علاوه بر نگاه عکاسانه، مخاطب را به تأمل و تفکر وادار نموده است. عکاسی مستند ایران را نمی‌توان وارد حوزه عکاسی معاصر ایران کرد، زیرا سنت‌های غالب، باعث می‌شود که عکاس به صورت غیرعامدانه چنین سنت‌هایی را ثبت کند. به همین منظور عکاسی انتخاب شده است که دغدغه‌های مشترک نسبت به جامعه و مسائل زنان ایران را دارد و نسبت به محیطی که عکاس در آن قرار گرفته است، منش و تفکر خود را نسبت به زن و جایگاه آن در آثار خود بازنمایی می‌کند. روش‌های پژوهش استفاده شده شامل روش توصیفی-تحلیلی است. این پژوهش بر مبنای اهداف، جزو مطالعات راهبردی، بر مبنای فرآیند پژوهشی کیفی و بر مبنای نحوه گردآوری اطلاعات در بخش نظری، توصیفی و تحلیلی می‌باشد. در این مطالعه، سه روش برای جمع‌آوری داده‌ها بکار گرفته شده است. ابتدا، آثار هنرمند مورد مطالعه گردآوری و آثار تصویری مورد مطالعه نمونه‌گیری شده و بر اساس مؤلفه‌های استخراجی تحلیل می‌گردد و نهایتاً جایگاه زن بر اساس رویکرد فمینیستی بر آثار انتخابی مورد تطبیق قرار می‌گیرد.

واژه‌های کلیدی: عکاسی معاصر ایران، عکاسی هنری، نقد عکس، نقد فمینیستی، نیوشا توکلیان

۱- مقدمه

وقتی صحبت از عکاسی معاصر ایران می‌کنیم منظور وضعیت عکاسان دهه ۶۰ ه.ش تاکنون است. خصوصاً عکاسان سه دهه اخیر ایران، این نسل از عکاسان تحت تأثیر جریان‌های فلسفی، اجتماعی، سیاسی و تحولات روز عکاسی جهان دست به تولید آثاری زده‌اند که

علاوه بر نگاه عکاسانه مخاطب را به تامل و تفکر وادار می‌کند. به دلیل اینکه عکاسی مستند اجتماعی را نمی‌توان وارد حوزه عکاسی معاصر ایران کرد (زیرا در جامعه کنونی سنت‌ها غالب بر جامع هستند و این باورهاست که بعضی از عکاسان را وادار به ثبت غیر عامدانه چنین سنت‌های کرده است) هنرمندان عکاس برای تولید آثارشان روی به عکاسی برساخته آورده‌اند، مخصوصاً در دهه ۹۰ ه.ش. در این نوع از عکاسی کارگردانی شده هنرمند با نیت قبلی عناصری را در آثار خود کم یا زیاد و گاهی حذف می‌کند و باعث به وجود آمدن یک اثر هنری بدیع تر می‌شود که مخاطب را به تفکر بیشتر در وادار می‌کند. این عکاسان که خالق این آثار ارزشمند هستند، به جای متکی بودن به دوربین و محیط اطراف متکی به خود و ذهن خود هستند و دوربین تنها ابزاری برای ثبت ایده‌های ذهنی آنان است. در این پژوهش بعد از بیان مفاهیمی هم‌چون: عکاسی معاصر ایران، بازنمایی، فمینیسم، تحلیل فمینیستی و بازنمایی زن به بررسی آثار سحر مختاری می‌پردازیم. در آثار این هنرمند به دنبال کشف، موجودیت، جایگاه و مفهومی از زن با رویکرد فمینیستی هستیم. به همین منظور عکاسی را انتخاب نموده ایم که دغدغه‌های مشترک نسبت به جامعه و مسائل زنان ایران را دارد و نسبت به محیطی که در آن قرار گرفته است، منش و تفکر خود را نسبت به زن و جایگاه آن در آثار خود بازنمایی می‌کند و از این رو از عکاسی برساخته برای درگیر کردن مخاطب با جهان ذهنی خود استفاده کرده‌اند. سؤالات پژوهش کار حاضر عبارتند از:

۱. زن در آثار نیوشا توکلیان از منظر فمینیستی چگونه بازنمایی شده است؟

۲. مؤلفه‌های فمینیستی در آثار نیوشا توکلیان چگونه است؟

۲- پیشینه پژوهش

در عکاسی معاصر ایران، زنانگی و جایگاه تمام زنان و دختران از منظر فمینیستی در عکاسی و همچنین چگونگی بازنمایی زنان در این حیطه بسیار مورد پژوهش قرار گرفته است. در ذیل به اهم پژوهش‌هایی که می‌توان آن را به نوعی مرتبط با پژوهش حاضر برشمرد، اشاره می‌شود.

دانای و خندقی (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان "تحلیل جایگاه مؤلفه‌های زیباشناختی در نقد فمینیستی اثر هنری" تلاش می‌کند تا نقد را به عنوان راه حلی برای درک بهتر آثار هنری معرفی کند. در این مقاله نقد به عنوان واژه‌ای است که باعث ارتباط اثر هنری و بیننده می‌شود. این مقاله به نقد زیباشناختی و نقد فمینیستی پرداخته است؛ و پس از ارتباط آن با یکدیگر در نقد اثر هنری با ذکر این مسئله که نقد فمینیستی چه مؤلفه‌های از نقد زیباشناختی را صحیح دانسته است؛ و آن‌ها را به کار می‌برد و چه مؤلفه‌های از نقد زیباشناختی را رد شده می‌داند و آن را بازگو می‌کند.

راودراد و همکاران (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان "تحلیل بر بازنمایی زن در نقاشی معاصر ایران" می‌کوشد به مقایسه بازنمایی تصویر زن و مرد معاصر ایران در نقاشی بپردازد.

پاک‌نیا (۱۳۸۳) در مقاله‌ای با عنوان "بازنمایی گرافیکی مضامین اجتماعی در پوستر فیلم‌های اجتماعی سینمای ایران" به چگونگی بازنمایی گرافیکی در پوستر فیلم‌ها می‌پردازد.

نوآوری که در این پژوهش حائز اهمیت است؛ بررسی آثار عکاس زن ایرانی و آثار آن از منظر فمینیستی است. که تاکنون پژوهشگران به بررسی و تحلیل آثار این عکاس زن نپرداخته‌اند.

۳- مبانی نظری

۳-۱- نیوشا توکلیان

نیوشا توکلیان تنها یک عکاس خبری نیست. او از جنگ عراق و لبنان گرفته تا زلزله در پاکستان و جلوه های مختلف زندگی روزمره عکاسی کرده است. او برای عکس های خود مرز می معین نمی کند و عکس هایش ترکیبی خلاقانه از عکاسی خبری، اجتماعی و هنری است. به سراغ آدم ها، زندگی، مرگ و موضوعات مختلف می رود و شاهد وقایع گوناگون می شود و دردهای پنهان را در آنها ثبت می کند. توکلیان در عکس هایش تماشاگر را به داوری درباره وضعیت زنان در ایران فرا می خواند. در سال ۲۰۱۵ چاپ یکی از عکس هایش بر روی جلد مجله تایم توجهات را بیش از پیش به نیوشا توکلیان جلب نمود. توکلیان در سال ۲۰۱۹ توسط آژانس عکس مگنوم به عنوان عضو رسمی معرفی شده است. وی پس از عباس عطار دومین عکاس ایرانی است که به عنوان عضو رسمی مگنوم شناخته می شود.



شکل ۱: تصویری از نیوشا توکلیان (منبع: www.tasvirezendegi.com)

۲-۳- مفهوم لغوی و اصطلاحی فمینیسم

«این واژه با اندکی تغییر در تلفظ، در زبان های انگلیسی، فرانسوی و آلمانی به یک معنا به کار می رود و از ریشه "Feminine" که معادل "Feminin" در فرانسوی و آلمانی می باشد، اخذ شده است. این کلمه به معنای زن یا جنس مؤنث است که خود از ریشه التینی "Femina" گرفته شده است.» (حلوائی نیاسر و ناصحی، ۱۳۹۵).

فمینیسم را گاه به جنبش های سازمان یافته برای احقاق حقوق زنان و گاه به نظریه ای که به برابری زن و مرد از جنبه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حقوقی معتقد است، معنا کرده اند (روتلیج، ۱۳۸۸).

این جنبش زدودن تمام تفاوت های بیولوژیک و تعریف انسان و هر مقوله ای فرهنگی و اجتماعی برپایه جنسیت است (تقوی دهقانی، ۱۳۸۱).

« واژه‌ی فمینیست نخستین بار در ۱۸۷۱ در یک متن پزشکی به زبان فرانسه برای تشریح گونه‌ای وقفه در رشد اندام‌ها و خصایص جنسی بیماران مردی، که تصور می‌شده است از خصوصیات زنانه یافتن تن خود رنج می‌برند، نوشته شده است. یک سال بعد یک نویسنده‌ی ضد فمینیست فرانسوی، این واژه را برای اشاره به زنانی که مردانه رفتار می‌کنند به کار برد. گرچه در فرهنگ پزشکی، معنای فمینیسم، خصوصیات زنانه یافتن مردان بود، در اصطلاح سیاسی این واژه، ابتدا برای توضیح خصوصیات مردانه یافتن زنان به کار رفت» (روتلیج، ۱۳۸۸).

۳-۳ زمینه و عوامل پیدایش فمینیسم

نتیجه‌ای که از مطالعه کردن وضعیت زنان در تمدن‌های روم و یونان به دست آمده است به این صورت می‌باشد که در ابتدا زن یک شیئی بوده است که قابل تملک بوده و بعداً به عنوان یک عنصر تولد و ارضا شهوت شناخته شده و به هیچ عنوان او را شریک زندگی برای مرد و واجد قوای بشری در نظر نداشته‌اند (صدر، ۱۸۳۷).
بعد از ظهور مسیح و افکار مذهبی که پیروان او داشتند و بعداً در زمان پیامبر اسلام به تجریح زنان از شیء قابل تملک به یک انسانی که دارای حقوق اجتماعی و حق مالکیت است تبدیل گشتند. اما دو انقلاب مهم انقلاب کبیر فرانسه و صنعتی اروپا تاثیرات زیادی در پیدایش گرایش‌های فمینیستی داشتند.

۴-۳ انواع جنبش‌های فمینیسم

جنبش‌های فمینیستی را از زوایای مختلف می‌توان دسته‌بندی کرد. یک تقسیم‌بندی بر اساس دیدگاه‌های عقیدتی و نگرش‌های سیاسی است که به لیبرال، مارکسیست و سوسیال و پست مدرن می‌پردازند.
اما تقسیم‌بندی دیگر جنبش فمینیسم از منظر جامعه‌شناسان و بر مبنای مقطع تاریخی است. از نگاه آنان، جنبش فمینیستی به سه موج تقسیم می‌شود (حلوائی نیاسر و ناصحی، ۱۳۹۵).

۳-۴-۱ موج اول فمینیسم

از اواخر قرن نوزدهم شروع می‌گردد. در این موج حق برابری در کار-تحصیل و حضور فعال در عرصه سیاسی و اجتماعی معمولاً رنگ حقوقی به خود گرفته است (مشیرزاده، ۱۳۸۵).
این موج با به دست آوردن حق رأی در سال ۱۹۳۸ در شهر نیوزلند پایان یافت. ابتدا انگلستان و سپس آمریکا حق رأی زنان را به رسمیت شناختند. ریشه‌های موج اول را می‌توان در انقلاب صنعتی دانست در این راستا زنان را متوجه جایگاه مدنی‌شان نمود از این رو فمینیست در موج اول بیشتر جنبه حقوقی داشته است. برخی از آن‌ها از این حد نیز گذشته و معتقد بودند باید به مرور زمان از «گفتار برابری» به سمت «گفتار متفاوت» حرکت نمود (مشیرزاده، ۱۳۸۲). نظام سرمایه داری نقش پررنگی در به وجود آوردن این موج داشته است. سرانجام موج اول (ایجاد شکاف در بین فمینیست‌ها)

عوامل شکل‌گیری موج اول

ریشه‌های موج اول را شاید بتوان در انقلاب صنعتی دانست که زنان را متوجه جایگاه مدنی‌شان کرد و آنان به دنبال خواستار برابری‌های اجتماعی و حقوقی با مردان شدند. از این رو فمینیسم در موج اول بیشتر جنبه حقوقی داشت.

حضور زنان در جنبش‌های القا برده داری

جنبش‌های القای برده داری نقش مهمی در پیدایش موج نخست داشته است. آن‌ها به دنبال «انسانیت مشترک» و «عدالت عمومی» برای کل انسان‌ها بودند (مشیرزاده، ۱۳۸۲).

۳-۴-۲- موج دوم فمینیسم

زمان شروع موج دوم فمینیسم از دهه ۱۹۶۰ به رهبری سیمون دوبوار می‌باشد و با محوریت قرار داشتن شعار زنان بدون مردان خواستار برابر بودن کامل زن و مرد در همه زمینه‌های روانی، اجتماعی و فرهنگی بودند (حلوائی نیاسر و ناصحی، ۱۳۹۵). مهم‌ترین ویژگی موج دوم خلق و نهادینه کردن ادبیات فمینیستی، تاکید بر نقد فرهنگی و ارائه نظریه‌های فرهنگی جدید است. در موج دوم بیان شد که باید به حقوق سیاسی و قانونی مساله زنان پرداخته شود (زیبایی نژاد، ۱۳۸۲: ۱۷). موج دوم فمینیسم به عنوان یک نظریه مطرح گشت و با پیگیری کردن مستمر و متداول آن‌ها از اوایل دهه ۷۰ برنامه زنان به متون دانشگاهی و ادبیات وارد گشت و در جایگاه یک رشته خود را در سطح یک مجامع آکادمیک مطرح نمود (جین، ۱۳۸۱).

۳-۴-۳- موج سوم فمینیسم

از اواسط دهه ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰ غرب رویکرد دوباره‌ای به نقش‌های سنتی و نهاد خانواده داشته و از حرکت‌های تند فمینیسم موج دوم کم شد. فمینیسم‌های مدرن با ظاهری زنانه و رفتار ظریف تمایز خود را از زنان به نمایش گذاشتند. موج سوم فمینیست باعث رشد گروه‌های فمینیسم سیاه پوست گردید (حلوائی نیاسر و ناصحی، ۱۳۹۵). فمینیسم‌های موج سوم با تقبیح فرهنگ مردم سالاری کانون این فرهنگ را در تفسیر جهان و شیوه نگرش به آن می‌دادند که در دانش‌های مختلف بروز یافته است. به منظور آزاد شدن از این فرهنگ، بایست از دیدگاه زنان به جهان نگاه شود و از جهان یک تفسیری زنانه ارائه گردد (زیبایی نژاد، ۱۳۸۲).

۳-۴-۴- موج چهارم فمینیسم (موج آرام)

موج جدید، جریان انتقادی به بی بند و باری در روابط جنسی و بی اعتنایی به تعهد و حفظ حدود در این روابط است. به خالف فمینیست‌های دهه ۹۰ و ۸۰ میلادی با تاکید بر آزادی جنسی، می‌گفتند حفظ پاکدامنی، مختص بازنده‌ها است و با طبیعت بشری سازگاری ندارد و وسایل پیشگیری از بارداری باید در اختیار نوجوانان باشد و سقط جنین کار درستی است و در واقع آنان با مفهوم عفاف مخالف بوده‌اند، چرا که آن را وسیله‌ای برای ستم مردانه می‌دانستند (وندی شیلت و نانسی لی، ۱۳۸۸).

۳-۵-۱- گرایش‌ها و مکاتب فکری فمینیست

فمینیسم جنبش فکری یکپارچه نیست، ولی تمام گرایش‌هایی که زیر چتر گسترده‌ی فمینیسم گرد آمده‌اند هم عقیده‌اند که زنان به واسطه جنس خود با بی‌عدالتی رو به رو می‌شوند. بنابراین باید فرودستی آنان را فهمید و کمک کرد تا به حقوقشان برسند.

۳-۵-۱-۱- فمینیست‌های لیبرال - اصلاح طلب

به طور تاریخی، فمینیسم لیبرالی (که از قدیمی‌ترین گرایش‌های فمینیستی است و در تمام موج اول فمینیسم گرایش منحصراً فمینیستی محسوب می‌شود) به بحث درباره حقوق برابر برای زنان - یعنی برخوردار شدن زنان از حقوق شهروندی مردان - مربوط بوده است و استدلال آنان این است که فرد انسانی دارای ارزش است و ارزش هایش را، فردانیت او تعیین می‌کند، پس جنسیت هم نباید مقید حقوق و ارزش‌ها باشد. اگر دین و مذهب و رنگ نمی‌توانند در احقاق و تعیین حقوق انسان‌ها نقش ایفا کنند پس جنسیت هم همینطور است (آلیسون، ۱۳۸۵).

فلسفه لیبرالی با رشد سرمایه‌داری ظهور کرد و بر اساس اعتقاد عمیق اخلاقی به تساوی ذاتی انسان‌ها خواستار دموکراسی و آزادی سیاسی شد (آلیسون، ۱۳۸۵). در نگاه فمینیست‌های لیبرال، تعقل فردی مهمتر از سنت‌ها و نهادهای مستقر در جامعه بود و آموزش و

پرورش، بخصوص تفکر انتقادی مهم‌ترین وسیله برای دگرگونی و تعالی اجتماع می‌باشد. این گروه طرفدار نظریه «حقوق طبیعی» بودند (موسوی، ۱۳۷۸).

۳-۵-۲-فمینیست‌های رادیکال - انقلابی

رادیکال‌های فلسفی که افکار خود را عمدتاً از فرانسه قرن نوزدهم گرفته بودند، اعتقاد داشتند که مردم به طور همسان از مادرزاده می‌شوند و اختلافاتی که در بزرگسالی میان آن‌ها به وجود می‌آید، ناشی از تربیت و محیط است (راسل، ۱۳۸۶). جنسیت و تمایزات جنسی ریشه طبیعی ندارد بلکه ساخته فرهنگی است که در آن به ارزش‌های مردانه ارجح می‌دهند. (آبوت و کله، ۱۳۸۰). فمینیست رادیکال بر ابعاد زنان و انسان دوستی نقش داشته است. همچنین رادیکال‌ها سلطه کامل مردان نسبت به زنان را بازگو می‌کنند و سلطه مذکر را ناشی از کنترل عمومی مردان بر جسم زنان، یعنی کنترل توانایی‌های جسمی و زایشی آنان می‌دانند این رو برای پایان بخشیدن به این وضعیت معتقدند که زنان باید خودمختاری و استقلال خویش را در این عرصه‌ها بدست آورند و در راه ارتقای آگاهی‌های خود در زمینه شیوه‌های ستم مردان بکوشند (آلیسون، ۱۳۸۵).

فمینیسم رادیکال با ارزش‌ترین خصلت‌ها را ویژگی‌های زنان می‌شمارد و جنس مؤنث را به دلیل ویژگی‌های شخصی آن‌ها که عاطفه محور و احساس محور هستند و نیز به دلیل تحلیل‌های خاصی که راجع به طبیعت آن‌ها وجود دارد، برتر از جنس مذکر می‌دانند. البته بیشترین مخالفت‌هایی که با فمینیسم شده مربوط به همین گرایش است (دوبووار، ۱۳۶۰).

۳-۵-۳-فمینیست‌های مارکسیست

در نظریه فمینیست‌های مارکسیست عامل ستم بر زنان در نظام «خانواده/خانوار» است در چهارچوب این نظریه، زنان در داخل واحد خانواده دارای جایگاه کارگری که تحت نظام نظارت جنسی و ناعادلانه است، هستند. فمینیست‌های مارکسیست برآنند که در مسیر عبور کردن از مردسالاری و استبداد، زنان می‌بایست وجدان اجتماعی و شعور و همچنین اشتراکات خاص خود را ایجاد کنند و خودشان را از قید وجدان جعلی که به وجود آورده شده توسط ایدئولوژی مردسالاری جامعه سرمایه داری است، آزاد کنند. ایدئولوژی که بر جامعه حاکم است یعنی ایدئولوژی مردسالاری که در جامعه سرمایه‌داری وجود دارد، زنان را مانند کارگران به استثمار تبدیل کرده و به از خود بیگانگی و کالاشدگی سوق می‌دهد. مارکسیست‌ها برآنند که زنان به جای اینکه در راه از بین بردن امتیازات ظاهری مردان تلاش کنند باید همراه با طبقه کارگر آن‌ها در مسیر منافع دراز مدت و مشترکشان یعنی از بین بردن نظام سرمایه‌داری به مبارزه برخیزند چرا که زنان و طبقه کارگر با یکدیگر دارای پیوند طبیعی هستند و آزادی هر دوی آنها در گرو اتمام نظام سرمایه‌داری می‌باشد (آلیسون، ۱۳۸۵).

۳-۵-۴-فمینیست‌های سوسیال

جریان فکری فمینیست‌های سوسیال پس از دهه هفتاد میلادی پدید آمد. اینان تلاش می‌کردند از ترکیب فمینیسم رادیکال و مارکسیست نوعی از فمینیسم جدید را پیشنهاد کنند که بر اساس آن عامل ظلم و ستم بر علیه زنان یعنی مرد سالاری و نظام سرمایه داری به عنوان دشمنان طبقه ی زنان مورد توجه قرار گیرد (آبوت و کله، ۱۳۸۰).

فمینیسم سوسیال سلطه مذکر را بخشی از پایه اقتصادی جامعه می‌داند. این نظریه اقتصاد را دربرگیرنده مسائلی چون بارداری و زایمان نیز می‌داند و بنابراین محو سلطه مذکر را مستلزم تغییر شکل در کل اساس اقتصادی جامعه می‌بیند و به این ترتیب برای رسیدن به هدف نه فقط تغییر در آموزش، کار، جنسیت یا سرپرستی از کودکان بلکه تغییر شکل همه این عرصه‌ها را ضروری می‌شمرد. (آلیسون، ۱۳۸۵)

جدول ۱: مولفه‌های دارای اهمیت در رویکرد فمینیستی

داشتن حقوق برابر	فمینیسم
اهمیت نقش زن در جامعه	
مبارزه با نظام سرمایه داری	
سرکوب نظام مردسالار	
مخالفت با تشکیل خانواده	
مخالفت با تولید مثل طبیعی زنان	
اعتقاد به مردانه بودن علوم، تاریخ و ...	
مخالفت فمینیسم با محافظه‌کاران	
مبارزه فمینیسم با هرزه‌نگاری	

۴- نتایج

۴-۱- روابط تعریف بازنمایی

بازنمایی به معنای استفاده از زبان برای گفتن چیزی معنادار یا برای نمایش دادن جهان معنادار به افراد دیگر تعریف می‌شود. بازنمایی بخشی اساسی از فرآیندی است که به تولید معنا و مبادله آن میان اعضای یک فرهنگ و شامل استفاده از زبان، نشانه‌ها و ایماژهایی می‌شود که به بازنمایی می‌پردازد (مهدی زاده، ۱۳۸۷). بازنمایی در عکس به معنای اِبسنس (غیاب) مارا به جهان واقعی ارجاع می‌دهد.

بازنمایی به این معنا که چیزی نمایانگر چیزی دیگر است، از مفاهیم بنیادین فلسفه‌ی ذهن نیز هست. از نقطه نظری که فلسفه‌ی ذهن پیش پا می‌نهد، بازنمایی اساساً فرآیندی ذهنی است و بازنمایی ذهنی آنچه خارج از ذهن است، در قالب اندیشه‌ها، باورها، خواسته‌ها، ادراکات و تصورات انجام می‌شود. به بیان دیگر، چنین بازسازی‌های ذهنی‌ای همواره واجد دربارگی‌اند و درباره‌ی یا راجع به چیزهای دیگرند؛ چیزهایی که غیر از خودشان و عموماً خارجی‌اند (باستین و جتی، ۱۳۹۵: ۳).

بازنمایی تولید معنا از طریق چارچوب‌های مفهومی و گفتمانی است. به این معنی که معنا از طریق نشانه‌ها، به ویژه زبان تولید می‌شود. زبان سازنده معنا برای اشیای مادی و رویه‌های اجتماعی است و صرفاً واسطه‌ای خنثی و بی‌طرف برای صورت‌بندی معانی و معرفت درباره جهان نیست. فرآیند تولید معنا از طریق زبان را رویه‌های دلالت می‌نامند (کالورت و لوییز، ۲۰۰۲). امروزه مفهوم بازنمایی در مطالعات فرهنگی از جایگاه برجسته‌ای برخوردار است. بازنمایی، معنا و زبان را به فرهنگ پیوند می‌دهد. معمولاً بازنمایی را معناسازی از طریق به کارگیری نشانه‌ها و مفاهیم و استفاده از یک چیز به جای چیز دیگر با هدف انتقال معنا تعریف می‌کنند (میلر، ۱۳۸۵).

۴-۲- آثار نیوشا توکلیان

نیوشا توکلیان متولد ۱۳۶۱ خبرنگار و عکاس ایرانی، یکی از دختران با استعداد ایرانی (تهران) است که از سال ۷۷ عکاسی حرفه‌ای را آغاز کرده است. از سال ۲۰۰۲ عکس‌های وی در نشریات معتبر بین‌المللی مثل تایم، نیویورک تایمز، اشترن، فیگارو و برخی دیگر از

هفتمین کنفرانس ملی
افق های نوین در علوم انسانی، اقتصاد، کارآفرینی
The 7th national Conference on
The New Horizons In Humanities, Economics, Entrepreneurship

نشریات آمریکایی و اروپایی به چاپ رسیده است. او عکاس خودآموخته‌ای است که عکاسی حرفه‌ای را در سن ۱۶ سالگی در نشریه زن آغاز کرد و در نشریات دیگر ادامه داد. توکلین تاکنون در کشورهای عراق، لبنان، سوریه، عربستان و پاکستان به عکاسی پرداخته است.





منبع: newsha.tavakolian.com

با توجه به مبانی نظری تحقیق و نمونه‌های معرفی شده، برخی از نمونه‌های انتخاب شده و مورد تجزیه و تحلیل از منظر خوانش فمینیستی قرار می‌گیرد.

۳-۴- مجموعه گوش دادن

این تصاویر از مجموعه گوش دادن است. مجموعه گوش دادن (LISTEN) بر روی خوانندگان زن متمرکز است که به دلیل قوانین اسلامی که از انقلاب ۱۹۷۹ اعمال شده است، اجازه اجرای تک‌آهنگ یا تولید سی‌دی خود را ندارند. این عکس‌ها از زنان خواننده حرفه‌ای گرفته شده است که در ذهن خود در مقابل تماشاچیان زیادی اجرا می‌کنند که در واقعیت در استودیوی خصوصی کوچک در مرکز شهر تهران اتفاق می‌افتد.

توکلیان در خصوص این مجموعه می‌گوید: برای من صدای یک زن نشان‌دهنده قدرتی است که اگر آن را ساکت کنید، جامعه را نامتعادل می‌کند و همه چیز را تغییر می‌دهد. پروژه گوش دادن بازتاب صدای این زنان خاموش شده است. من به زنان خواننده ایرانی اجازه دادم توسط دوربینم اجرا کنند در حالی که دنیا هرگز صدای آن‌ها را نشنیده است.

در شکل ۱، یک خانم با پوشش مغنعه، مانتو و شلوار و بوت با رنگ مشکی در وسط خط ممتد سبقت مطلقاً ممنوع و وسط کادر ایستاده است که بوکس‌های قرمز رنگی را دستش کرده است. محیط و زمینه این عکس یک خیابان است که در پشت آن تصاویری از آپارتمان‌ها با مقیاس‌های مختلف دیده می‌شود و در واقع محیط یک شهر را نشان می‌دهد.



شکل ۱: تصویر اول از مجموعه گوش کن از خانم نیوشا توکلیان

قرار گرفتن خانم در وسط خط سبقت مطلقا ممنوع و داشتن بوکس های قرمز که خود نوعی کنتراست رنگی در تصویر ایجاد کرده است و در واقع مخاطب با دیدن عکس ناخودآگاه در وهله اول بوکس های قرمز رنگ را می بیند و همچنین وجود داشتن آسمان خراش ها در زمینه تصویر، نشان دهنده نوعی غلبه زنان بر نظام سرمایه داری است و زن در این تصویر با دستکش های بوکس که با روحیه زنانه و حالت چهره زن تضاد دارد، در حال گرفتن حقی است که نظام سرمایه داری به او نداده است.

تقسیم کردن عرصه های زندگی انسان ها به عرصه خصوصی و عمومی در نظام سرمایه داری و تشویق کردن زنان به ایفای نقش در عرصه خصوصی و پس از آن تقسیم کار به تولیدی و غیرتولیدی و در نتیجه بی ارزش تلقی کردن امور خانه زنان از مواردی است که درون نظام سرمایه داری، موجب انفرودستی هرچه بیشتر زنان را فراهم آورده است. در این تصویر زن دقیقا در وسط خیابان و در جایی که در واقع در قوانین رانندگی نشانه ممنوعیت است ایستاده است و در واقع از دستورات سرپیچی کرده است و نشان می دهد که قوانینی که مربوط به زن در میان مردم است و آن را از موارد اقتصادی و تولیدی منع کرده است، با دستکش های بوکس و رنگ بازدارنده قرمز خواهان مبارزه با آن است و در مقابل این موارد تسلیم نمی شود.

به نظر می رسد در واقع دلیل انتخاب زمینه این تصویر این است که کسانی در این نظام در حال کار کردن هستند و سرمایه هایی دارند و قادر به محدود کردن زن در خانه است بنابراین لازم است زنان در درون این نظام وجود داشته باشند.

علاوه بر استبط نظام سرمایه داری، نوعی سرکوب نظام مرد سالار نیز می توان در تصویر مشاهده نمود. زن بوکس به دست با وجود آمده شدن برای مبارزه و گرفتن حق برابری در جامعه، دارای نگاه غمگین و شانه های تکیده است و هیچ گونه شادی ای در او نمی توان دید، در واقع نشان دهنده در حال جنگ بودن دائمی او در جامعه است. هم چنین از نظر جنسیتی، گویا محکوم به پوشیدن لباس های بلند و پوشاندن موها است که در واقع لطافت و ظرافت خود را در درون بوکس ها و پوشش سرتاسر سیاه محبوس کرده است و احساس او را از چهره اش می توان خواند. رادیکال های اولیه به این اعتقاد دارند که ماهیت حقیقی دو جنس، مساوی و برابر می باشد و طبیعت بشر در حقیقت تشکیل شده از صفات زنانه و مردانه می باشد. این رادیکال ها تفاوت های موجود و در نتیجه فرودستی زنان را برگرفته از تأثیرات فرهنگ مردسالار و در نتیجه ساختگی و مصنوعی تلقی می کنند و بر آن اند که با نابودی مردسالاری تفاوت های بین دو جنس ریشه کن می شود. بنابراین از این نوع حالت و فرم و پوشش زن می توان خواهان ریشه کن شدن مردسالاری را برداشت کرد.

در این اثر در شکل ۲، نیز یک زن با پوشش کاملا مشکی در وسط یک خیابان و به نظر می رسد در قسمت پیچ خیابان قرار گرفته است که در دستان خود دو مرغ پوست کنده شده دارد. در این اثر نیز زن در وسط خیابان قرار گرفته و زمینه عکس ساختمان های بلندمرتبه است. هیچ کدام از ساختمان های پشت سر زن، پنجره و قاب ندارند و گویا هنوز به مرحله گذاشتن پنجره ها نرسیده است و در واقع تکمیل شدن ساختمان و رسیدن به کمال این ساختمان ها در نصب نورگیر و پنجره هایش است.



شکل ۲: تصویر دوم از مجموعه گوش کن از خانم نیوشا توکلیان

در این تصویر نیز می توان مانند تصویر زیر نظام سرمایه داری را مشاهده نمود و در واقع محکوم کردن زن به پخت و پز و درون عرصه خصوصی قرار گرفتن را با مرغ های دست خانم مشاهده کرد. هم چنین می توان با توجه به پنجره های پشت سر زن، نداشتن پنجره و نورگیر و عدم تکمیل یک ساختمان ایمن را، به نبود برابری میان زن و مرد در عرصه های مختلف جامعه دانست و این زن را نماینده تمام زنان دانست که با پوشش اجباری و گرفتن مرغ ها در دست در حال رساندن مفهوم آزادی خواهی است و تا زمانی که وضعیت به این صورت باشد، نور به داخل خانه ها نیامده و جامعه به به غایت کمال خود نخواهد رسید.

در واقع اهمیت نقش زن در جامعه را می توان چنین مشاهده کرد که فمینیسم، تقسیم جامعه به دو عرصه خصوصی یعنی خانواده و درون آن و عرصه عمومی یعنی قرارگیری در اجتماع را از اصلی ترین و مهم ترین علت های ستم کردن به زنان می بیند. تشویق کردن زنان به عرصه خصوصی یعنی خانواده در حالی که تمام امتیازات و حقوق مدنی و لیبرالی برای عرصه عمومی تعریف گشته است و تقسیم وظایف خانه داری، بچه داری و همسرداری برای زنان و تحویل امورات اقتصادی و اجتماعی و سیاسی به مردان و به صورت خلاصه تفکیک عرصه ها و نقش ها از منظر فمینیسم لیبرال، ریشه نابرابری و فرودستی وضعیت زنان می باشد. در این تصویر مرغ ها نشان دهنده وظیفه زن به عنوان خانه داری و بچه داری است که در هر مرتبه علمی هم که باشد در آخر این وظایف را دارد و قرارگیری این وضعیت در داخل خیابان اهمیت حضور زن در جامعه را نشان می دهد.

در شکل ۳، از مجموعه گوش دادن، همان زن با پوشش مشکی در وسط خیابان قرار گرفته است که سر و گردن او داخل یک باکس شیشه و یا یخ است. زمینه این تصویر نیز یک خیابان پهن با ساختمان های بلند و کوه و آسمان می باشد.



شکل ۳: تصویر سوم از مجموعه گوش کن از خانم نیوشا توکلیان

در این عکس نیز ساختمان های پشت سر به نظر می رسد که پنجره ندارند. تصویر زن در قاب شیشه ای و شفاف و چهره ناراحت و پوشش او نشان از حضور او تنها در قاب عکس است و در جامعه جایگاه حقیقی ندارد. در واقع تفکرات و اندیشه های او قاب گرفته شده است. این نوع تصویر نوعی محافظه کاری در خصوص زنان را نشان می دهد. یکی از جریان هایی که فمینیسم مخصوصا گروه رادیکال فمینیست با آن اختلاف دارد، جریان محافظه کارانه می باشد.

محافظه کاران این چنین می گویند که زیست شناسی سرنوشت آدمی می باشد بدین معنی که انسان ها با اندام و هورمون ها و کروموزوم های زن یا مرد به دنیا می آید؛ سرنوشت یک زن، تکلیف مهمتر و سنگین تری در خصوص تولیدمثل به او واگذار کرده است؛ مردان در شرایط مساوری دارای ویژگی های مردانه مانند جسارت، جان سختی، پرخاشگری و غیره دارند و زنان دارای ویژگی های زنانه مانند مهربانی، دلسوزی، از خودگذشتگی، فروتنی و غیره دارند و در آخر می گوید که جامعه باید به حفظ این نظم اجتماعی بپردازد تا مطمئن شود که زنان زنوار و مردان مردوار باقی می مانند. در واقع این تصویر نشان از رویکرد محافظه کارانه است که سعی دارد این ویژگی های گفته شده را حفظ کند و قرارگیری زن در خیابان و اجتماع یعنی عرصه عمومی نشان از مبارزه او با این دیدگاه محافظه کارانه است.

۴-۴- مجموعه صفحات سفید یک آلبوم عکس ایرانی

در این مجموعه توکلیان، عکس‌هایی از جوانانی است که در جامعه هستند و به دنبال زندگی‌های خود هستند. در این مجموعه زندگی‌های پرکنتراست انتخاب نشده اما قصد بر این بوده که آدم‌هایی انتخاب شود که خاموش هستند و با توجه به اینکه اطراف پرهیاهویی ندارند، زندگی پر رمز و رازی دارند.

در این اثر در شکل ۴، یک زن با شال سبز و مانتو قرمز و کیف به دست در داخل شاخ و برگ‌های درختان قرار گرفته است. فرم زن به این صورت است که رو به دوربین نبود و گویا در حال آزار دیدن از شاخ و برگ‌ها است که در اندام او فرو می‌روند. زمینه و محیط تصویر گویا حاشیه‌ای از شهر است که شاخ و برگ درختان بریده شده در گوشه ریخته شده است و زمین آن خاکی است.



شکل ۴: تصویری از صفحات سفید یک آلبوم عکس ایرانی از خانم نیوشا توکلیان

درواقع نشان قرار گرفتن یک زن با تمام لطافت و ظرافت در میان سرسختی و خشن بودن شاخه‌ها، نشان از قواعد و مشکلاتی است که در جامعه وجود دارد و با وجود حالت زن که گویا در حال حمل کیف است و نوعی نشان‌دهنده مشکلات شخصی خودش است، به ناچار با ناملاپم‌های جامعه نیز دست و پنجه نرم می‌کند و به نوعی این قواعد و هنجارهای که به سبب جنسیت او در جامعه وضع شده است، او را بلعیده است به طوری که حتی این امکان وجود نداشته که بتواند بایستد.

این موارد نشان از سرکوب نظام مردسالار در خوانش فمینیستی است چرا که با مشاهده این تصویر رنج یک زن از نوع حالت او و محیط اطراف آن که شاخ و برگ‌ها هستند قابل درک است. در واقع جامعه مردسالار فرودستی زنان را شامل شده است. همچنین می‌توان این شاخ و برگ‌ها را یک مرد دانست که مانند یک تار عنکبوت به واسطه تارها (قدرت‌هایی که جامعه به او می‌دهد) زن را مانند یک طعمه در بر گرفته و اجازه شکوفایی به نمی‌دهد و دائماً زن در حال پژمرده شدن و تبعیت از قانون اجباری است چرا که به سبب جنسیت او، نوع پوشش و نوع محیط خود را نمی‌تواند آزادانه انتخاب کند.

جدول ۲: مولفه‌های فمینیستی در آثار نیوشا توکلیان

<p>-تقسیم عرصه‌های زندگی انسان به خصوصی و عمومی</p> <p>-تشویق زنان به قرارگیری در عرصه‌های خصوصی</p> <p>-بی‌ارزش تلقی نمودن امور خانه‌داری</p>	<p>نظام سرمایه‌داری</p>
<p>-وجود خصوصیات مردانه در جامعه</p> <p>-عدم برابری زن و مرد</p> <p>-قرارگیری زنان در محیط خانه</p>	<p>سرکوب نظام مرد سالار</p>
<p>-مهم بودن نقش مادری و پرداختن زن تنها به این امور (تحمیل شدن نقش مادری)</p> <p>-کنترل مردان بر روی زنان</p>	<p>مخالفت با تولید مثل طبیعی زنان</p>
<p>-زنان در خانه و مردان در بیرون از خانه</p> <p>-مردان مردوار و زنان زنوار</p>	<p>مخالفت فمینیسم با محافظه‌کاران</p>
<p>-قرار دادن تمام امتیازات در محیط بیرون و قرار دادن زن در خانه</p>	<p>اهمیت نقش زن در جامعه</p>

نتیجه‌گیری

با توجه به تحلیل‌های انجام شده می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که مقام و ارزش یک زن بیشتر از محبوس کردن و زندانی کردن او است. در تمامی تصاویر به نوعی اسارت زن دیده شده است. فمینیسم در تلاش است با دگرگون کردن زندگی اجتماعی و تغییر دادن مناسباتی که میان دو جنس وجود دارد، در تمام وجوه انسانی تغییراتی را ایجاد کند که در برگیرنده تمام وجوه خانوادگی، فردی و اجتماعی می‌شود. تمامی تصاویر به منظور خوانش فمینیستی، محتوا و پیام اثر اولویت اول را دارد. در تمامی تصاویر محتوا به نوعی زن محور بوده و هر کدام مولفه‌های مختلفی از خوانش فمینیستی را بیان می‌کنند. در پاسخ به سوال اول پژوهش باید چنین پاسخ داد که با

توجه به تحلیل‌های انجام شده در آثار نیوشا توکلیان در مجموعه گوش دادن، تصاویری آورده شد که هر کدام به نوعی دارای مولفه‌های فمینیستی بود. در تصویر زنی که بوکس به دست داشت، نوعی "نظام سرمایه‌داری" دیده شد چرا که زن در جامعه سرمایه‌داری جایگاهی نداشته و با چنین نمادی در حال گرفتن حق خود است. همچنین "سرکوب نظام مردسالار" نیز دیده می‌شود چرا که در حال گرفتن حق برابری و آزادی است. در تصویر دیگر "دیدگاه محافظه‌کاران" دیده می‌شود و زن با مرغ‌هایی که در دو دستش قرار داده است، در حال فریاد زدن حق برابری به نمایندگی از سایر زنان است. همچنین "نقش زن در جامعه" را نیز نمایانگر است. توکلیان در مجموعه آلبوم سفید با نمایش سمیه در شاخ برگ درختان، "سرکوب نظام مردسالار" را نشان می‌دهد که به چه صورت یک زن را با شاخ هایش بلیعه است. بنابراین به صورت کلی در آثار نیوشا توکلیان مواردی نظیر «نظام سرمایه‌داری»، «سرکوب نظام مردسالار»، «مخالفت با تولیدمثل طبیعی زنان»، «مخالفت فمینیسم با محافظه‌کاران» و «نقش زن در جامعه» مشاهده می‌شود که مطابق با این مولفه‌ها به بازنمایی زن پرداخته است.

در آخر در پاسخ به سوال "مولفه‌های فمینیستی در آثار نیوشا توکلیان چگونه است؟" باید چنین پاسخ داد که با توجه به تصاویر تحلیل‌شده در فصل چهارم، مولفه‌های فمینیستی به این صورت در تصاویر بازنمایی شده‌اند که برای نمایش اهمیت نقش زن در جامعه، در آثار توکلیان زنی مرغ به دست وسط خیابان ایستاده و در تلاش است نشان دهد که اهمیت نقش زن در جامعه ضروری است و نه تنها وظیفه پخت و پز و همسرداری. در خصوص نمایش مولفه نظام سرمایه‌داری، تصویر زن بوکس به دست از توکلیان قابل مشاهده است که در پشت سر او آپارتمان‌ها و آسمان‌خراش‌ها قابل مشاهده است. سرکوب نظام مرد سالار را می‌توان در تصویر سمیه مشاهده کرد، زنی که در میان شاخ و برگ‌ها قرار دارد و با هنجارهای مردسالارانه دست و پنجه نرم می‌کند.

منابع

- دانای، منا و جواد، امین خندقی (۱۴۰۱) "تحلیل جایگاه مؤلفه‌های زیباشناختی در نقد فمینیستی اثر هنری" سیویلیکا، راودراد، اعظم و همکاران (۱۳۸۹) "تحلیل بر بازنمایی زن در نقاشی معاصر ایران" زن در توسعه و سیاست، شماره ۱۲۵، ۲۸-۱۴۲-۱۴۲
 علائی، کیارنگ (۱۳۹۲) "عکاسی معاصر ایران"، آستان هنر، شماره ۶، ۲۷-۳۷.
 حلوائی نیاسر، منیره و ناصحی، محمد (۱۳۹۵). تاریخچه فمینیسم و مقایسه کارکردهای خانواده از منظر اسلام و فمینیسم، پژوهش علوم و تکنولوژی.
 روتلیج (۱۳۸۸). فمینیسم و دانش‌های فمینیستی، مترجمان: عباس یزدانی، بهروز جندقی، قم، انتشارات دفتر مطالعات و تحقیقات زنان استان قم.
 تقوی دهاقانی، حسین (۱۳۸۱). آسیب شناسی دینی فمینیسم، بی‌جا، انتشارات موسسه فرهنگی منهایج.
 مشیر زاده، حمیرا (۱۳۸۵). از جنبش تا نظریه اجتماعی، تهران، انتشارات نشر پژوهش.

- زیبایی نژاد، محمد رضا (۱۳۸۲). فمینیسم و دانش های فمینیسم، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- وندی شیلت و نانسی لی (موس) (۱۳۸۸). دختران به عفاف روی می آورند، ترجمه و تلخیص: سمانه مدنی و پریسا پورعلمداری، تهران، نشر معارف.
- راسل برتراندر (۱۳۸۶). آزادی و سازمان پژوهشی در بنیاد سوسیالیسم و لیبرالیسم.
- آبوت، پاملا و کلا، والاس (۱۳۸۰). جامعه شناسی زنان، ترجمه منیژه نجم عراقی، نشر نی.
- مهدی زاده، سیدمحمد (۱۳۸۷). بازنمایی رسانه ها، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه ها.
- باستین، حامد و حجتی، محمدعلی (۱۳۹۵). مفهوم بازنمایی در نظریه ی زیست معنایی میلیکان. منطق پژوهشی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. ۷(۲).
- دوبووار، سیمون (۱۳۶۰). جنس دوم، تهران، ترجمه قاسم صعوی، انتشارات توس.
- صدر، حسن (۱۳۴۸). حقوق زن در اسلام و اروپا، بی جا، انتشارات کتاب های پرستو.
- موسوی معصومه (۱۳۷۸). تاریخچه مختصر تکوین نظریه های فمینیستی، مرکز مطالعات فرهنگی – بین المللی مدیریت مطالعات اسلامی، انتشارات بین المللی الهدی.

Batchen, G. (1999). Burning with desire: The conception of photography. Mit Press.

Benovsky, J. (2011). Three kinds of realism about photographs. The Journal of Speculative Philosophy, 25(4), 375-395.

Bergin, V. (1982). Thinking photography, Macmillan, London.

<https://newshatavakolian.com>

www.tasvirezendegi.com